

بررسی اهداف آموزش و پرورش در پرورش شایستگی های حرفه ای معلمان

امیر علی مختاری^۱، محمد اسماعیل موتاب بفروئی^۲، سید سهراب حسینی^۳

^۱ فوق لیسانس ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول)

^۲ لیسانس آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان شهیدان پاکنژاد یزد

^۳ دانشجوی کارشناسی آموزش الهیات دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری شیراز

چکیده

در نظام آموزشی هر کشور اهمیت معلمان انکار ناپذیر است. بنابراین رشد مهارت های حرفه ای آنان از وظایفی است که همه نظام های آموزشی باید خود را ملزم به اجرای آن سازند. هدف اصلی رشد حرفه ای معلمان بالا بردن کیفیت یادگیری دانش آموزان است. رشد حرفه ای معلمان شامل فعالیت هایی می شود که معلمان در داخل و خارج از مدرسه انجام می دهند و دامنه ای از فرآیندهای رسمی و غیررسمی را تشکیل می دهند و این فرآیندها برای بهبود بخشیدن به مهارت ها، دانش ها و رسیدن به تدریس مطلوب می باشد. هدف پژوهش حاضر بررسی اهداف آموزش و پرورش در پرورش شایستگی های حرفه ای معلمان است. این پژوهش به روش تجزیه و تحلیل کتابخانه ای- مروری بوده و جمع آوری اطلاعات با مراجعه به پایگاه های اینترنتی، مقالات، کتب، اسناد معتبر علمی و منابع الکترونیکی در این زمینه انجام شده است که ضمن بررسی اهداف آموزش و پرورش ایران، اهداف تربیتی معلم و متعلم و مفهوم شایستگی حرفه ای معلمان و حیطه های مربوط به آن ذکر شده است چرا که معلم عامل اصلی در اجرای تحولات و نوآوری های تربیتی است و کیفیت تدریس او مهم ترین عامل در افزایش پیشرفت و موفقیت دانش آموزان می باشد. بر این اساس رشد و توسعه حرفه ای معلمان از ضروریات اهداف آموزش و پرورش می باشد.

واژه های کلیدی: آموزش و پرورش، شایستگی حرفه ای معلم، اهداف آموزش و پرورش

مقدمه

آموزش و پرورش را می توان مهم ترین سازمان هر جامعه دانست؛ چرا که از سویی به آموزش نیروی انسانی مورد نیاز می پردازد و دانش و مهارت لازم برای ایفای نقش های حرفه ای را در اختیار آنها قرار می دهد و از سویی دیگر به امر مهم پرورش می پردازد؛ پرورش انسان ها به عنوان افرادی خودشکوفای، خلاق و توانمند که می توانند از دانش و مهارت خود برای هر چه بهتر ساختن جامعه خویش سود جویند (کد خدایی، ۱۳۹۵). بقا و کارآمدی نظام های آموزشی به دانش و تخصص های متنوع، توانایی ها و مهارت های منابع انسانی به ویژه معلمان آنها بستگی دارد. هر چه معلمان از آمادگی، شایستگی و توانمندی بیشتر برخوردار باشند، سهم بیشتری در ارتقای سطح کارایی نظام ها خواهند داشت (دیبایی صایر و همکاران، ۱۳۹۵). یکی از موضوعات مهم در تعلیم و تربیت، موضوع شایستگی و صلاحیت های حرفه ای معلمان است. چرا که دانش آموزان امروزی، معلمان امروزی را طلب می کنند و معلم امروزی، معلمی است که از نظام تربیتی به روز و مدرنی بیرون آمده باشد؛ نظامی که از وی یک معلم خلاق، نوآور و منعطف ساخته است و نه فقط یک معلم آگاه. معلمان امروزی نیاز دارند نقش های چند گانه ای ایفا کنند و مسئولیت های حرفه ای مختلفی در قبال دانش آموزان عهده دار شوند. برای تربیت حرفه ای معلمان نوعی عمل فکورانه یا تامل در عمل توصیه می شود که باید در دوره های تربیت معلم به معلمان آموزش داده شود (احمدی، ۱۳۹۱). معلمی که در انجام نقش حرفه ای خود دست و پا بسته عمل نکند و خود را در چارچوب دانش و مهارت از پیش آموخته شده محصور ننماید، معلمی اندیشمند، خلاق، انعطاف پذیر و نوآور است. در جهان امروز، صلاحیت حرفه ای به یک اصطلاح چند منظوره تبدیل شده است که با معانی مختلفی در زمینه های علمی متنوع و به ویژه مدیریت استفاده می شود. در ادبیات مربوط به صلاحیت، تعاریف متنوعی از شایستگی ها وجود دارد که اگرچه همه آنها به طور وسیع شبیه هم می باشند و اساسا بر نقش ها و مسئولیت های شغل متمرکز هستند، ولیکن بررسی آنها نشان می دهد که یک تعریف واحد و اصطلاح شناسی معین در مورد صلاحیت حرفه ای وجود ندارد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸). برخی از صاحب نظران بر این باورند که اگر آموزش و پرورش می خواهد پیشرفت کند، دست اندرکاران تعلیم و تربیت، به خصوص معلمان، که تعامل گسترده ای با فراگیران دارند، باید متحول شوند. همچنین، دانش و اطلاعات، شناخت ها، نگرش ها، مهارت ها و روش های کار آنها باید تغییر کند. لازمه این کار، حرفه ای شدن تعلیم و تربیت و در سرفلوحه آن، حرفه ای شدن تمام معلمان است. چرا که معلم کلیدی ترین اجزای نظام آموزش و پرورش است و هر کاستی و کمبود در سایر اجزای نظام، از این عنصر تاثیر می پذیرد. پس توجه به کلیدی ترین بخش نظام آموزشی، و ارتقای دانش، نگرش و مهارت او ضروری می باشد. حرفه ای شدن معلمان بر جنبه های تکنیکی و حرفه ای تدریس و ارتقای موقعیت اجتماعی حرفه معلمی متمرکز است و فرآیندی است که به وسیله آن، انجام حرفه یا شغل معلمی مستلزم داشتن مهارت های ویژه ای می شود. معلم حرفه ای باید درک عمیق تری از دانش محتوایی، رشد دانش آموز، سبک های یادگیری، راهبردهای تدریس و مجموعه ای جدید از ارزش ها، همراه با احترام به تفاوت های فردی، همکاری با سایر همکاران و گرفتن بازخورد مداوم از تدریس و قابلیت هدایت و تغییر و ارتباط موثر داشته باشد. رشد و توسعه حرفه ای باید به گونه ای باشد که فرصتی را فراهم کند تا معلمان در چرخه ای از تجربه و آزمایش و تامل درگیر شوند. لذا با توجه به اهمیت مقوله شایستگی های حرفه ای معلمان، هدف پژوهش حاضر پژوهش بررسی اهداف آموزش و پرورش در پرورش شایستگی های حرفه ای معلمان می باشد.

مبانی نظری

آموزش و پرورش

آموزش و پرورش مهم ترین نهاد در یک جامعه و درعین حال سازنده و تکامل دهنده آن است و تاثیر آن در پیشرفت جامعه، امری حیاتی و محسوس است (عارف نژاد، ۲۰۱۸). به اعتقاد رهبر نظام جمهوری اسلامی ایران، اگر کشوری بخواهد به عزت

مادی، به سعادت معنوی، به پیشروی علمی، به آبادانی زندگی دنیا، به هر آرزویی، بخواهد دست پیدا کند، باید به آموزش و پرورش به عنوان یک کار بنیادی، مقدماتی لازم بپردازد. نظام آموزش و پرورش بنا به ضرورت تغییرات اجتماعی، یکی از سازمان های پیچیده و بزرگ اجتماعی در هر کشور محسوب می شود و با رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیوندی ناگسستنی دارد. تعلیم و تربیت در همه اعصار و نسل ها، مهم ترین کار بشر در زندگی بوده است (مالکی، ۲۰۱۰). بسیاری از مدارس امروزی در حسرت چشیدن طعم کارکردهای مدارس اثر بخش می باشند (خنifer و همکاران، ۲۰۲۰). در دنیای کنونی در بسیاری از کشورها این اعتقاد اساسی وجود دارد که آنچه در جامعه می گذرد اعم از رفتار مردم، تعاملات آن ها با یکدیگر و غیره ناشی از کیفیت کار آموزش و پرورش است. همچنین به گفته درویشی و همکاران (۲۰۲۰) سیاست گذاری در آموزش و پرورش به منزله پرنفوذترین و مؤثرترین انواع سیاست گذاری های عمومی، مجموعه ای از سیاست ها، رویه ها و اقداماتی است که نهاد دولت به منظور توانمندسازی و توسعه دانش و مهارت های فردی و اجتماعی دانش آموزان، رفع معضلات موجود در عرصه نظام تعلیم و تربیت و نیز کیفیت بخشی به امر تربیت، تدوین و اجرا می کند. بنابراین ضرورت و اهمیت پرداختن به بحث استانداردسازی در آموزش و پرورش برای دستیابی به کیفیت مطلوب بسیار مورد توجه می باشد. از نظر خنifer (۲۰۰۷)، استاندارد نمودن فعالیت های آموزش و پرورش در گسترش تحولات چشمگیر نظام های آموزشی برتر جهان فرایندی لازم و لاجرم می باشد و پرداختن به چارچوب های نظری و عملی آن در هر بخش با الگوگیری از روش ها و شیوه های استاندارد و فعالیتی شایسته و نیازمند سرمایه گذاری دراز مدت می باشد. با گذشت بیش از ۲۰ سال از شروع نهضت استانداردسازی این سؤال همواره مطرح است که آیا مجموعه ای از استانداردها وجود دارد که منجر به بهبود قابل توجهی در عملکرد معلمان شود و علاوه بر آن، خلاقیت و ابتکار آنان را نیز تقویت کند؟

نتیجه رعایت استاندارد ارتقای سطح کیفی، عملکرد مطلوب و استانداردسازی، ایجاد نرم و شاخص بر اساس مدل مطلوب است (آگوستینوس و همکاران، ۲۰۱۲). همچنین اهمیت و لزوم اطمینان کیفی از عملکرد مدارس و مؤسسات آموزشی تحت پوشش وزارت آموزش و پرورش در ابعاد درون داد، فرایند، برون داد و پیامدهای مؤسسات در زمینه های آموزشی، پرورشی، امکانات و تجهیزات، برنامه های آموزشی و درسی، مدیریت و غیره و توانمندی آموزش و پرورش برای پاسخگویی به نیازهای جامعه، فلسفه وجودی یک الگو با نظام نیمه متمرکز برای آموزش و پرورش کشور است. در کشور جمهوری اسلامی ایران طی چند سال اخیر بحث نظری استاندارد و استانداردسازی در حوزه آموزش پرورش مورد توجه قرار گرفته است. به طوری که اولین همایش استاندارد و استانداردسازی در آموزش و پرورش در سال ۲۰۰۳ برگزار شده و تحقیقات محدودی هم نیز انجام گرفته، همچنین به گزارش معاونت تدوین و ترویج استاندارد ایران، برای اولین بار در سال ۲۰۱۴ نشست مشترکی به منظور ترویج فرهنگ استاندارد در مقاطع مختلف تحصیلی آموزش و پرورش در سازمان ملی استاندارد ایران برگزار شده است، با این حال متأسفانه تاکنون استانداردهای مدون شده ای و الگوی استاندارد خاصی برای کیفیت بخشی به زیر نظام های آموزشی (آموزش پیش دبستانی، دوره ابتدایی، متوسطه، فنی و حرفه ای و تربیت معلم) با توجه به فرهنگ و خصوصیات ویژه نظام جمهوری اسلامی ایران در دسترس نیست. نیاز به وجود استاندارد و استانداردسازی یکی از مواردی است که به شکل های مختلف مانند تهیه شاخص کیفی، مؤلفه های استاندارد و عوامل درون مدرسه ای، فضا، ارزشیابی و مصرف منابع استاندارد در سند تحول آموزش و پرورش (که از اسناد بالادستی نظام آموزشی ایران است) به آن اشاره شده، همچنین مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران هم بر این امر تاکید دارند. یکی از پنج سیاست اصلی آموزش و پرورش ارتقای کیفیت آموزش می باشد. اهمیت وجود کیفیت از آنجا در نظام آموزشی بیشتر می شود که پی ببریم کیفیت زندگی نسل حاضر و نسل های آینده در گرو کیفیت آموزشی است (مشایخ، ۲۰۱۴).

شایستگی حرفه ای معلم

با گذشت زمان و رشد روزافزون علم؛ به ویژه علوم انسانی از سویی و ایجاد تغییرات مختلف رشدی در نسل جدید دانش آموزان، از سوی دیگر، تغییر رویه در آموزش و پرورش معلمان ضرورتی اجتناب ناپذیر است. آشکار است معلمی که برونداد مراکز

تربیت معلم و دانشگاه های دهه های پیشین باشد در پیشبرد آرمان ها و اهداف نظام آموزشی با دشواری مواجه خواهد شد. دانش آموزان امروزی، معلمان امروزی را طلب می کنند و معلم امروزی، معلمی است که از نظام تربیتی به روز و مدرنی بیرون آمده باشد؛ نظامی که از وی یک معلم خلاق، نوآور و منعطف ساخته است و نه فقط یک معلم آگاه. شاید شیوه های سنتی آموزش معلم که عمدتاً در مراکز تربیت معلم صورت می گرفت، می توانست کم و بیش پاسخگوی نیاز دانش آموزان نسل های پیشین باشد؛ چرا که دانش آموزان دیروزی از لحاظ میزان شناخت و اطلاعات، طبقه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به اندازه دانش آموزان امروزی با هم متفاوت نبودند و به بیان دیگر تفاوت های فردی در آن ها کمتر به چشم می خورد؛ اما استفاده از همان رویه آموزشی برای تربیت معلمان امروزی که با تنوعی از دانش آموزان با ویژگی ها و توانمندی های بیش از پیش متفاوت سر و کار دارند، چندان کارساز نخواهد بود و بنا بر نظر چینگ (۲۰۱۴) معلمان امروزی نیاز دارند نقش های چندگانه ای ایفا نمایند و مسئولیت های حرفه ای مختلفی در قبال دانش آموزان بر عهده دارند.

دونالد شون، شیوه سنتی حاکم بر آموزش حرفه ای و نظام تربیت معلم را نوعی «عقلانیت فنی» نامیده است و از آن به عنوان یک رویکرد اثبات گرایانه انتقاد می کند. شون معتقد است این نوع آموزش دارای دو پیش فرض اساسی است: یکی آنکه تحقیقات آکادمیک، دانش حرفه ای به بار می آورد و دیگر آنکه تدریس دانش حرفه ای در مراکز تربیت معلم، دانشجو معلمان را برای رویارویی با نیازهای واقعی آن ها در مدارس آماده می سازد. این در حالی است که در دنیای عمل، مسائل بیشتر در قالب موقعیت های غیر قابل پیش بینی ظاهر می شوند؛ به طوری که معلم نمی تواند صرفاً با متوسل شدن به ابزارهای تکنیکی و قوانینی که از قبل آموخته است به آسانی مسائل جدیدی را که در کلاس های درسی با آن ها رو به رو می شود حل و فصل نماید. در چنین شرایطی معلم باید با نوعی فی البداهه بودن و به کارگیری قدرت ابداع و آزمایش و راهبردهای ویژه خودش به حل مسأله بپردازد. به همین جهت، شون برای تربیت حرفه ای معلمان، نوعی عمل فکورانه یا تأمل در عمل را توصیه می کند که باید در دوره های تربیت معلم به معلمان آموزش داده شود (احمدی، ۱۳۹۱)؛ این همان چیزی است که می توان با عنوان «معلم اندیشمند» از آن یاد کرد. معلمی که در انجام نقش حرفه ای خود دست و پا بسته عمل نکند و خود را در چارچوب دانش و مهارت از پیش آموخته شده محصور ننماید. معلم اندیشمند، معلمی انعطاف پذیری، پذیرا، خلاق و نوآور است. برای داشتن چنین معلمانی باید روش های آموزش معلمان اصلاح شود (کدخدایی، ۱۳۹۵).

صلاحیت معلم و تربیت حرفه ای آنان مجموعه شناخت ها، گرایش ها و مهارت هایی است که معلم با کسب آن ها به پرورش جسمی، عقلی، عاطفی، اجتماعی و معنوی فراگیران کمک می کند (ملکی، ۱۳۹۱). شایستگی های ویژه ای که انتظار میرود معلمان آنها را کسب کنند و از آنها برخوردار باشند، همان صفات و شایستگی های حرفه ای هستند که شامل اخلاق و تعهد حرفه ای، دانش حرفه ای و مهارت های تربیتی میشوند و همه اینها، هویت حرفه ای مربیان را تشکیل میدهند (رضایی، ۱۳۹۹).

پیشینه پژوهش

رضایی (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان شناسایی و تعیین شایستگی های حرفه ای معلمان با ابتناء بر اسناد تحولی آموزش و پرورش و اعتبارسنجی آن ها با تحلیل داده های کمی نتیجه گرفت که از منظر اعضای گروه خبرگان، شایستگی های تعیین شده با گزاره های مستخرج از اسناد تحولی و نیز مولفه های تعیین شده با شایستگی ها، همخوانی و توافق بسیار دارند. به این ترتیب، پس از فرایند طولانی برای شناسایی و اعتباربخشی شایستگی ها و مولفه های ذیل آن ها و از طریق تجزیه و تحلیل اطلاعات کیفی و داده های کمی، هشت شایستگی معطوف به اخلاق و تعهد حرفه ای، دانش تربیتی و مهارت های تربیتی به عنوان شایستگی های حرفه ای مورد انتظار اسناد تحولی آموزش و پرورش شناسایی و شش مولفه ی ذیل آن ها تعیین شد.

غلامی نوقاب و همکاران (۱۳۹۷) با بررسی مولفه های موثر بر رشد حرفه ای معلمان به این نتایج رسیدند که عوامل موثر بر رشد حرفه ای معلمان دارای ۸۵ شاخص و پنج مولفه دانش، نگرش و ارزش، مهارت، توانایی و ویژگی های شخصیتی بود و مولفه های مذکور به طور معناداری توانستند ۸۵/۱۹ درصد از رشد حرفه ای معلمان را تبیین نمایند. بنابراین پیشنهاد می شود برنامه ریزان نظام آموزش و پرورش برای بهبود رشد حرفه ای معلمان مولفه های فوق را بهبود بخشد.

کدخدایی (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان آموزش معلم: چپستی، چند گونه گی و چگونگی بیان کرد که آموزش و پرورش معلمان باید به گونه ای باشد که برن داد آن معلمان دانشمند، اندیشمند و هنرمندی باشد که علاوه بر داشتن دانش پایه، توانایی حل مساله و انطباق با موقعیت را داشته باشند و ثانیاً روش های آموزش معلمان، روش هایی بومی و متناسب با فرهنگ باشد تا علاوه بر سودمندی و اثربخشی بیشتر، معلمانی وابسته به فرهنگ بومی تربیت نماید.

اسکات (۲۰۱۳) به بررسی رابطه بین شرایط محیط کار، توانایی و انگیزش بر سطح تغییر آموزش مربیان جدید پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داد که بهبود صلاحیت های کارمندان در دستیابی سازمان به اهداف کمک می کند و یکی از کارکردهای ضروری بخش آموزش حمایت از اهداف و ابتکارات سازمان است. همچنین هیچ رابطه ای بین معیارهای توانایی، انگیزش و محیط کار و تغییر آموزش به وسیله مربیان جدید وجود ندارد. بررسی هر یک از معیارهای توانایی در آموزش منجر به بهسازی دوره های آموزشی و مطابقت محتوا و مواد دروس دوره های آموزشی با حیطه شغلی افراد می شود. بررسی شرایط انگیزش کارکنان در دوره های آموزشی منجر به یادگیری خود مدیریتی کارکنان و مشارکت فعالانه آنان در سازمان می شود. بررسی هر یک از فاکتورهای محیط کار منجر به یادگیری فرهنگ و جو سازمانی و حفظ و بقای کارکنان می شود (بذرافشان مقدم و همکاران، ۱۴۰۰).

آنیثا (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان ارزیابی شایستگی به بررسی فاصله بین شایستگی موجود و شایستگی های مورد انتظار مدیران می پردازد و پیشنهادات کاربردی برای پر کردن این شکاف ارائه می دهد. شایستگی را ترکیبی از چندین معیار از قبلی انگیزه، خودشناسی، نگرش ها یا ارزش ها، مهارت ها و نگرش ها می داند که همه این عوامل فراتر از حد میانگین هستند. شناسایی و ارزیابی شایستگی ها به آماده سازی کارمندان جوان و بزرگسالان در مقابل تغییرات سازمان کمک می کند. مجموعه شایستگی ها دیدگاه مشترکی از مهارت ها و رفتار که برای سازمان اهمیت دارد، فراهم می کند. بنابراین شایستگی ها نقش مهمی در تصمیم گیری برای انتخاب و استخدام کارمندان جدید، برنامه ریزی موفق، بهسازی شغلی، تغییر و جابه جایی در شغل، پروژه بهسازی تخصصی تیم، نیازسنجی آموزشی و سنجش عملکرد برای سازمان ایفا می کند (بذرافشان مقدم و همکاران، ۱۴۰۰).

صالحی و همکاران (۱۳۹۸) تحقیقی را با عنوان پژوهش محوری و صلاحیت های حرفه ای معلمان علوم تجربی انجام دادند. یافته های این پژوهش نشان داد که روش های مطلوب و موثر در تدریس علوم تجربی بهره گیری از روش های پژوهش محوری، یادگیری اکتشافی، کاوشگری و... می باشد. این روش ها توسط معلمان حرفه ای که سه ویژگی دانش، تجربه و روش تدریس را دارا باشند، اجرا می شود.

اخگر و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش بررسی صلاحیت های حرفه ای معلمان دوره ابتدایی شهر اصفهان در تربیت شهروندی دانش آموزان نشان داد که ابعاد مختلف صلاحیت های حرفه ای معلمان یعنی بعد آموزشی با میانگین ۲۶/۲، بعد نگرشی با میانگین ۳/۲، بعد اخلاقی با میانگین ۵۷/۲ و بعد مهارتی با میانگین ۲۲/۲ بیشتر از متوسط بر تربیت شهروندی دانش آموزان تاثیر داشته است و همگی معنادار بوده است. همچنین نتایج تحقیق آنان نشان داد که بین میانگین نمرات هر کدام از ابعاد

صلاحیت حرفه‌ای بین مردان و زنان تفاوت معناداری وجود ندارد و همگی در مورد میزان تاثیر ابعاد صلاحیت‌های حرفه‌ای بر تربیت اتفاق نظر دارند.

روش پژوهش

این پژوهش به روش تجزیه و تحلیل کتابخانه‌ای- مروری بوده و جمع‌آوری اطلاعات با مراجعه به پایگاه‌های اینترنتی، مقالات، کتب، اسناد معتبر علمی و منابع الکترونیکی در این زمینه انجام شده است که ضمن بررسی اهداف آموزش و پرورش ایران، اهداف تربیتی معلم و متعلم و مفهوم شایستگی حرفه‌ای معلمان و حیطة‌های مربوط به آن ذکر شده است.

یافته‌ها

بر اساس یافته‌هایی که با بررسی مقالات و مطالب گفته شده در این زمینه به اطلاعاتی در زمینه اهداف کلی آموزش و پرورش، اهداف تربیتی معلم و مولفه‌های شایستگی حرفه‌ای معلمان به شرح زیر پی بردیم.

پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، هدف‌های آموزش و پرورش رسمی در ایران تغییر کرده است که به شرح زیر می‌باشد. کمال انسان در نظام تعلیم و تربیت اسلامی رسیدن به قرب الهی است. این اهداف غایی به اهداف زیر تقسیم می‌شوند.

اهداف اعتقادی

- ۱- ایجاد زمینه‌ی لازم برای خودشناسی و خداشناسی و تقویت روحیه حقیقت جویی.
- ۲- تقویت ایمان و اعتقاد به مبانی اسلام و بسط بینش الهی بر اساس قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) و ائمه ی معصومین (ع) با مراعات اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی در مورد پیروان مذاهب اسلامی و اقلیتهای دینی.
- ۳- پرورش روحیه پذیرش حاکمیت مطلق خداوند بر جهان و انسان و اعمال این حاکمیت در جامعه بر اساس اصل ولایت فقیه.

اهداف اخلاقی

- ۱- تزکیه و تهذیب نفس و رشد فضایل و مکارم اخلاقی بر اساس ایمان به خدا و تقوای اسلامی
- ۲- پرورش روحیه تعبد الهی و التزام عملی به احکام و آداب اسلامی.
- ۳- پرورش روحیه اعتماد به نفس و استقلال شخصیت.
- ۴- تقویت احساس کرامت اخلاقی و برانگیختن عزت نفس.
- ۵- پرورش متعادل عواطف انسانی و همزیستی مسالمت آمیز.
- ۶- پرورش روحیه نظم و انضباط.
- ۷- پرورش روحیه مبارزه با بیکارگی، بطالت و مشاغل کاذب.

اهداف علمی آموزشی

- ۱- تقویت روحیه‌ی تحقیق، تعقل و تفکر، بررسی و تعمق، نقد و ابتکار.
- ۲- پرورش روحیه‌ی تعلیم و تعلم و تربیت مستمر.

۳- شناخت، پرورش و هدایت استعداد های افراد در جهت اعتلای فرد و جامعه.

۴- شناخت اسرار جهان آفرینش و قوانین طبیعت به عنوان آیات الهی به منظور پیشبرد دانش و معرفت و تجارب بشری.

۵- ترویج زبان و خط فارسی به عنوان زبان و خط رسمی مشترک مردم ایران و آموزش زبان عربی به منظور آشنایی با قرآن و معارف اسلامی.

۶- توسعه علوم و فنون و مهارت های مورد نیاز فرد و جامعه.

۷- پرورش روحیه کتابخوانی و مطالعه.

۸- پرورش روحیه مشارکت و همکاری در فعالیتهای گروهی.

اهداف فرهنگی هنری

۱- شناخت، پرورش و هدایت ذوق و استعدادهای مختلف هنری و زیبایی شناسی.

۲- شناخت زیبایی های جهان آفرینش به عنوان مظاهر جمال الهی.

۳- شناخت هنر اسلامی و هنرهای ملی و جهانی مناسب.

۴- پرورش روحیهی حفظ میراث فرهنگی هنری و تاریخی.

۵- شناخت ادب فارسی به عنوان جلوه گاه ذوق هنر و مظهر وحدت ملی و اجتماعی کشور.

۶- شناخت فرهنگ و آداب و سنن مطلوب جامعه ی اسلامی ایران.

۷- تقویت روحیه احتراز از رسوم منحط و خرافی.

۸- شناخت تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلام، ایران و جهان با تأکید بر فرهنگ معاصر.

اهداف اجتماعی

۱- پرورش روحیهی پاسداری از قداست و روابط خانواده بر پایه ی حقوق و اخلاق اسلامی.

۲- پرورش روحیه تحقق بخشیدن به قسط اسلامی و پاسداری از آن.

۳- پرورش روحیه برادری و تعاون اسلامی و همبستگی ملی و فرهنگی و تقویت آن.

۴- پرورش روحیهی امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه ای همگانی.

۵- پرورش روحیه ی احترام به قانون و التزام به رعایت آن.

۶- پرورش روحیهی نظم در روابط فردی و اجتماعی.

۷- پرورش روحیه مسؤولیت پذیری و مشارکت در فعالیت های دینی، فرهنگی و اجتماعی.

۸- تقویت روحیه گذشت، فداکاری و ایثار در روابط اجتماعی.

۱۰- پرورش سعه صدر و تحمل آرای دیگران در برخورد اندیشه ها.

۱۱- پرورش روحیه احترام به شخصیت افراد و مراعات حقوق مادی و معنوی آنان.

۱۲- پرورش روحیه مقاومت در برابر تبلیغات سوء.

اهداف زیستی

۱- تأمین سلامت جسمی و بهداشت روانی با فراهم ساختن شرایط مناسب.

۲- تقویت روحیه رعایت بهداشت عمومی و حفظ محیط زیست.

۳- پرورش روحیه توجه به تربیت بدنی به عنوان زمینه‌ای برای رشد معنوی انسان.

اهداف سیاسی

۱- ارتقای بینش سیاسی بر اساس اصل ولایت فقیه در زمینه‌های مختلف جهت مشارکت آگاهانه در سرنوشت سیاسی کشور.

۲- پرورش روحیه‌ی اتحاد اسلامی بین مسلمانان و حمایت از حق‌طلبان، عدالت‌خواهان، مظلومان و مستضعفان جهان و تقویت روحیه مبارزه با مستکبران، استثمارگران و ستمکاران بر اساس ارزش‌های اسلامی.

۳- پرورش روحیه پاسداری از استقلال همه جانبه کشور و نفی هر گونه ستمگری و ستم کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری.

۴- پرورش روحیه سلحشوری به منظور حفظ کیان اسلام و تقویت بنیه دفاعی کشور.

۵- تقویت بینش سیاسی نسبت به مسائل ایران و جهان، بخصوص ممالک اسلامی و ملل محروم.

۶- شناخت ترفندهای استعمار و استکبار جهانی و ضرورت مبارزه با آن.

اهداف اقتصادی

۱- توجه به اهمیت رشد اقتصادی به عنوان وسیله ای برای رسیدن به رشد توسعه اجتماعی.

۲- شناخت ارزش و قداست کار و معاش حلال.

۳- مهارت بخشی و ایجاد آمادگی و علاقه جهت اشتغال مولد در بخشهای کشاورزی، صنعت و خدمات.

۴- ایجاد روحیه ساده زیستی، قناعت و پرهیز از هر گونه اسراف و مصرف زدگی و تجمل گرایی.

۵- پرورش روحیه انفاق و دستگیری از محرومان.

۶- تقویت روحیه عمل به احکام اقتصادی اسلام.

۷- شناخت حرف و مشاغل مولد جهت افزایش درآمد ملی، رفع بیکاری و وابستگی اقتصادی.

۸- تقویت روحیه ی مبارزه با بهره کشی اقتصادی و مشاغل خلاف مصالح جامعه اسلامی.

۹- شناخت منابع اقتصادی کشور و شیوه های صحیح استفاده از آنها و پرورش روحیه حراست از اموال عمومی و ثروت ملی (عسگریان، ۱۳۹۱).

اهداف تربیتی معلم

امروز مشکلاتی که فراروی بشر قرار گرفته مشکلاتی است که در تعامل افراد با یکدیگر و به دست خود آن ها شکل می گیرد. پیشگیری و یا حل آنها در نظام های تعلیم و تربیت از با ارزش ترین اهداف اجتماعی به شمار می آید. تصحیح تعامل افراد و روابط افراد و بنیان گذاری آن بر اساس ارزش های الهی و انسانی علاوه بر این که خود ارزش اجتماعی است و مطلوبیت ذاتی دارد، از دیدگاه اسلامی، ارزش مقدسی هم دارد زیرا زمینه ساز هدف نهایی نیز هست. از این رو برقراری روابط در بین گروه های جامعه و افراد نسبت به یکدیگر نه تنها وظیفه شرعی است بلکه از وظایف مهم به حساب می آید و بدین جهت است که از اهداف رفتاری هم محسوب می شود.

اساسی ترین اهداف تربیتی در رابطه با معلم سه هدف زیر است:

محبت

معلم برای این که بتواند در تعلیم و تربیت نقش اساسی خویش را، به نحو احسن ایفا نماید، باید بکوشد که نخست با دانش آموز خویش رابطه برقرار سازد و او را همانند فرزند خود در زیر چتر محبت بگیرد و با او دوستانه رفتار کند. محبت آموزگار به شاگرد خویش می تواند به صورت پذیرش، نوازش، نرمی در گفتار، برقراری فضای امن، حمایت، تعریف و تحسین، تشویق، عفو و اغماض، عذرپذیری و.... آشکار شود. این محبت باید به گونه ای باشد که متعلم این رابطه حسنه و محبت آمیز را احساس نماید ولی به متعلم خویش وابستگی پیدا نکند.

محبت درست معلم به متعلم باعث می شود:

۱- ترس و اضطراب، بیحوصلگی، پرخاشگری، سهل انگاری در انجام وظیفه و اموری از این قبیل در متعلم ایجاد نشود و یا اگر داشته به صورت قابل ملاحظه ای کاهش یابد و یا حتی از بین برود.

۲- متعلم جدی تر درس می خواند و حرکت و جنب و جوش وی افزایش می یابد و از سؤال کردن و دنبال نمودن بحث برای یادگیری استنکاف نمی کند.

۳- متعلم به معلم خویش اعتماد می کند و مشکلاتش را با او در میان می گذارد و راهنمایی های او را مورد توجه قرار می دهد و این امر به حل مشکلاتش می انجامد.

۴- متعلم به لزوم برقراری رابطه ای عاطفی با دیگران پی می برد و راه صحیح چگونه محبت کردن را نیز عملاً یاد می گیرد و بدین وسیله «جامعه پذیری» در او تقویت می شود و حتی معلم را به عنوان اسوه خویش می پذیرد و از رفتارهای او سر مشق می گیرد و چگونه صحیح زیستن را می آموزد و شایستگی های اخلاقی، معنوی و اجتماعی او را به کار می بندد.

احترام

این هدف تربیتی بین معلم و متعلم مشترک است. احترام به معلم در رفتارهایی از قبیل خوب گوش دادن به درس و حرف معلم، خوب با او سخن گفتن، تعظیم و فروتنی در برابر او، به هنگام ورود به احترام او قیام کردن و نظایر آن، جلوه می نماید.

احترام متعلم به معلم خویش از آن جهت مطلوب است که:

۱- معلم فردی عالم است و احترام به عالم، احترام به علم است و احترام به علم و عالم هر دو لازم است.

۲- احترام به معلم مصداق روشن تصحیح ارتباط با دیگران است که از اهداف اجتماعی به حساب می آید.

۳- احترام به معلم بین آن دو را قوی و پربارتر می سازد و تلاش و کوشش و دلسوزی و مهربانی معلم را در امر تعلیم و تربیت متعلم می افزاید و زمینه را برای رشد و بهره برداری بیشتر او، فراهم می سازد.

هدف تربیتی احترام به متعلم نیز در رفتارهایی نظیر مهربانی، خوشرویی، تعریف، تشویق، تواضع و شخصیت دادن به او و واگذاری کارهایی به او که از توانش بیرون نیست و نظایر آن ظاهر می گردد.

ضرورت احترام به شخصیت متعلم از آن جهت است که:

۱- متعلم انسان است و از کرامت ذاتی برخوردار است و هر فردی موظف است با دیگری به نحوی معاشرت نماید که کرامت و شرافت او حفظ شود.

۲- متعلم علاقه مند به معلم می شود و رابطه دوستانه بین آن دو برقرار می گردد و این عامل بسیار مهم است تفهیم و تفاهم و تعلم آسان تر و با کیفیتی عالی تر انجام شود.

۳- متعلم تحت تأثیر عواطف معلم خویش، مجذوب او شده و نه تنها با طیب خاطر تکالیف و راهنمای های معلم را انجام می دهد، بلکه او را به عنوان الگو می پذیرد و در امور اخلاقی و اجتماعی نیز از او پیروی می کند.

۴- متعلم با اعتماد به معلم خویش حاضر می شود، مشکلاتش را با او در میان بگذارد و از او راهنمایی بخواهد و در نتیجه در حل مسائل و مشکلاتش توانمند می گردد.

مسئولیت پذیری

مسئولیت معلم در برابر متعلم بسیار سنگین ست. او با پذیرش مسئولیت همه جانبه تعلیم و تربیت متعلمان باید به تناسب مراحل رشد آن ها، آن چه مورد نیاز و خیر است به آن ها تعلیم دهد و از هر جهت در آموزش صحیح و پرورش نیکوی آن ها کوشش نماید.

شرایط ایفای مسئولیت

معلم برای این که بتواند مسئولیت خویش را در تعلیم و تربیت، به نحو احسن ایفا نماید باید:

۱- نسبت به موضوعی که تدریس می کند و یا راهنمایی می نماید آگاهی های لازم و بلکه کافی را کسب نماید و در همین راستا است که حد مطالعات و تحقیقات او باید وسیع تر از محتوای کتاب انجام شود. اصولاً معلم باید همیشه در حال یادگیری باشد و از علم و تجربه دیگران استفاده نموده و به علم خود بیفزاید.

۲- معلم باید از فن تدریس و روش های تعلیم و تربیت آگاهی پیدا کند، به ویژه روش هایی که پیامبر وائمه ی معصومین علیه السلام و جانشین آن ها به عنوان معلم اتخاذ می کرده اند و نیز باید مهارت کافی در استفاده به جا و مناسب آن روش ها به دست آورد.

۳- معلم باید اندیشه و عقاید و آداب و رسوم مذهبی، مسائل فرهنگی ملی و بین المللی و تعلیمات بزرگان دین بصورت کامل آگاه شود و به تعلیم این امور به متعلمان در سطح فهم و درک شان پردازد.

۴- معلم باید سعی کند افراد به رویه عقلانی و منطقی تربیت شوند تا عقیده و اندیشه حق را از باطل، با آسانی تشخیص دهند و بهترین اندیشه ها و آداب و فرهنگ یعنی مکتب اسلام را خود برگزینند و در پاسداری از آن و التزام عملی به آن متعهد گردند و از انحراف اندیشه و رفتار مصونیت پیدا کنند.

۵- معلم باید احساسات، نیازها، توانایی ها و تفاوت های فردی متعلم خود را بشناسد تا بتواند به او در تعلیم و تربیتش کمک کند و برای این منظور باید آگاهی ها و بینش لازم را کسب کند تا بتواند زمینه مناسب را برای تعلیم و تربیت وی فراهم سازد.

۶- معلم و دیگر دست اندرکاران آموزش و پرورش باید محتوای دروس را براساس آن چه متعلم در آینده به آن نیاز دارد، تنظیم کنند و راهنمایی و تربیت را به گونه ای انجام دهند که برای متعلم مهارت هایی پیدا شود که بتواند خود، نیازهایش را در طول زندگی رفع نماید.

۷- معلم باید سعی کند صفات انسانی را از قبیل: اخلاص، تواضع، تقوا، امانت داری، صفا و صمیمیت، تعهد و ... را در حد نمونه دارا باشد، زیرا که از تجسم صفات عالی و در معلم و تبلور آن ها در گفتار و رفتار، شخصیت متعلم ساخته و پرداخته می شود.

۸- معلم باید احساس رضایت را نسبت به شغل و مسئولیت خود، مداوم زنده نگه دارد و به هیچ وجه احساس خستگی و بی میلی را به خود راه ندهد. او باید افتخار نماید که شغلی همانند شغل انبیاء دارد و هدفی همانند هدف آنان را دنبال می کند.

به طور کلی معلم در جامعه اسلامی، برای ایفای نقش خود باید همه اصول تعلیم و تربیت اسلامی را معیار فعالیت های خویش قرار دهد و جز بر مبنای آن اصول هیچ کاری را انجام ندهد. در این صورت است که معلم می تواند در انجام مسئولیت خویش موفق گردد (جهانی، ۱۳۹۱).

حیطه های شایستگی حرفه ای معلمان عبارت است از:

شایستگی ها و مؤلفه های اخلاق و تعهد حرفه ای

در ذیل این عنوان، نخست ویژگی ها یا صفاتی قرار می گیرند که معلم باید واجد آن ها باشد یا به تعبیر ساده تر «آنچه معلمان باید باشند». در فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی (۱۳۷۳)، معادل های اصطلاح «ویژگی ها» عبارت اند از: خصلت ویژه، صفت مشخص، متغیر کیفی، خصوصیت، خصیصه و معادل های اصطلاح صفات عبارت اند از: وصف، صفت، متغیر کیفی، خصلت و ویژگی. بنابراین همان طور که ملاحظه می شود معانی که در این فرهنگ، برای این واژه ها بیان شده، مشابه هم و تقریباً همسان اند. نخستین شایستگی مورد انتظار از معلمان، برخوردار بودن از ویژگی های اخلاق حرفه ای و ایفای نقش الگویی است. مؤلفه های ذیل این شایستگی، ویژگی ها و صفاتی هستند که معلمان باید از آن ها برخوردار باشند. این ویژگی ها عبارت اند از: خیرخواهی، امانت داری، دلسوزی، انعطاف پذیری، مسئولیت پذیری و پاسخگویی، هدایتگری و راهنمایی، احترام به حقوق دیگران و رعایت آن، علاقه مندی به حرفه معلمی و تدریس، مورد اعتماد بودن و اقتدار شخصیتی. لیاکوپولو (۲۰۱۱) بیان می کند که ویژگی هایی مانند انعطاف پذیری، شوخ طبعی، بی طرفی، شکیبایی، شور و اشتیاق، خلاقیت، توجه و علاقه به دانش آموزان، همگی به اثر بخشی معلمان کمک می کنند.

شایستگی دیگری که در ذیل شایستگی های معطوف به اخلاق و تعهد حرفه ای قرار دارد «تعالی جویی و بهسازی حرفه ای» است. در ادبیات صلاحیت ها و استانداردهای حرفه ای برای معلمان، تعهد حرفه ای معلم بیشتر در زمینه حرفه ای گری و یادگیری حرفه ای موضوعیت پیدا می کند. شولمن (۲۰۱۵) در چهارمین گزاره اصلی پیرامون صلاحیت های لازم برای معلمان، با محتوای «تفکر نظام مند معلم درباره شیوه عمل خود و فرا گرفتن از تجربه های خویش» به این موضوع می پردازد. معلمان،

الگوی یادگیری اثر بخش هستند و نیازهای یادگیری خود را شناسایی، تحلیل و ارزشیابی می کنند و یادگیری حرفه ای خود را هم به صورت گروهی و هم به شکل فردی بسط می دهند (رضایی، ۱۳۹۹).

همان طور که ملاحظه می شود تعهد حرفه ای بیشتر بر رابطه معلم با خود یا به عبارتی بر حرفه ای گری معلم تأکید دارد، اما رابطه معلم با موضوع درسی، همکاران، دانش آموزان و جامعه محلی را هم در بر می گیرد. عبداللهی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود، تعهد حرفه ای را در مؤلفه مسئولیت های حرفه ای مطرح کرده اند و در ذیل این مؤلفه، بیست و دو شایستگی را شناسایی و ارائه کرده اند. از این تعداد ده مورد به طور مستقیم و مواردی به طور غیر مستقیم، به رابطه معلم با خود و تلاش برای بهسازی حرفه ای، اختصاص دارد. صمدی (۱۳۹۳) یکی از حیطه های توانمندی معلمان را تعهد حرفه ای اعلام کرده است که شامل تعهد به رشته، دانش آموز، مدرسه، همکاران و خانواده می شود. در میان استانداردهای حرفه ای معلمان که از سوی مؤسسه استرالیایی برای تدریس و رهبری مدرسه (۲۰۱۷) تهیه شده است، تعهد حرفه ای، یکی از استانداردهاست که مشتمل بر دو مؤلفه «درگیر شدن در یادگیری حرفه ای» و «درگیر شدن حرفه ای با همکاران، والدین و جامعه محلی» می شود.

شایستگی ها و مؤلفه های دانش حرفه ای

در مبانی نظری تحول بنیادین، دانش تربیتی یا دانش حرفه ای هم از جمله مؤلفه های هویت حرفه ای مربیان اعلام شده است. دانش حرفه ای «به آنچه معلمان باید بدانند» ارتباط پیدا می کند. دومین گزاره اصلی شولمن (۲۰۱۵) در بحث پیرامون آنچه معلمان باید بدانند و بتوانند انجام دهند، اشاره به این دارد که معلمان باید نسبت به موضوعی که تدریس می کنند و چگونگی تدریس آن شناخت و آگاهی داشته باشند. شورای تدریس با کیفیت (۲۰۰۱) مجموعه ای از دانش و پژوهش حرفه ای برای پاسخگویی به نیازهای دانش آموزان در بافت های آموزشی را، دانش حرفه ای معرفی کرده است.

به تعبیری دیگر یکی از شایستگی های اساسی معلم، کسب و تسلط بر مجموعه ای گسترده از دانش هایی است که به او کمک می کند تا شیوه عمل مؤثری را در جریان آموزش به اجرا گذارد لیاکوپولو (۲۰۱۱). یک راه برای تعیین محتوای دانش حرفه ای، ارائه پاسخ به پرسش هایی از این قبیل است که کار تربیتی و آموزشی یک معلم متشکل از چه چیزهایی است؟ و برای اینکه معلم از عهده این کارها برآید، به چه نوع دانش و صلاحیت هایی نیاز دارد؟

در سند برنامه درسی ملی تربیت معلم جمهوری اسلامی ایران، شایستگی معطوف به دانش تربیتی، بیانگر دانش حرفه ای مربیان است که به قلمرو دانش تعلق دارد. این شایستگی در بیان کلی در چنین توضیح داده شده است: «آشنایی با دانش تربیتی و فهم اصول و روش های کاربردی آن در موقعیت های تربیتی و کسب توانایی موقعیت شناسی به همراه قابلیت تشخیص احکام تربیتی متناسب با موقعیت های واقعی تربیت به زبان علم تربیت (علوم تربیتی) و توانایی به کارگیری روش های پژوهشی تربیتی در حل مسأله های خرد موقعیت های تربیتی (اقدام پژوهی) را شامل می شود». در بخش بیان تشریحی شایستگی معطوف به دانش تربیتی گفته شده است که این شایستگی، مشتمل بر انواع دانش های حوزه تعلیم و تربیت است. در بیشتر نمونه ها از تجارب جهانی، دانش حرفه ای در دو زمینه آشنایی با محتوا و چگونگی تدریس آن و شناخت دانش آموزان و چگونگی یادگیری آن ها تعریف شده است. اداره کل آموزش و پرورش ایالت ویرجینیا (۲۰۱۲)، دانش حرفه ای را متشکل از شناخت از برنامه درسی محتوای موضوعی و نیازهای رشدی دانش آموزان معرفی کرده است. در مطالعات داخلی، ملایی نژاد (۱۳۹۱) دانش حرفه ای را معادل صلاحیت شناختی مهارتی قرار داده و مؤلفه هایی را در ذیل آن معرفی کرده است. از شانزده مؤلفه تعیین شده در زیر مجموعه این صلاحیت، شش مورد به شناخت آگاهی از ویژگی های دانش آموزان و شش مورد به آشنایی با محتوا اختصاص دارد. مؤلفه های دیگر به دانش مرتبط با به کارگیری فناوری و نیز دانش سنجش ارتباط دارد. با استناد به این

تجارب و پژوهش‌ها، در این پژوهش، دانش حرفه‌ای عمدتاً در قالب استاندارد چهارم یعنی «توجه به ویژگی‌های مشترک و متفاوت متریبان در تدارک و تنظیم موقعیت‌ها و تجارب تربیتی» و استاندارد پنجم با مضمون «مشارکت و تصمیم سازی در فرایند برنامه ریزی درسی و آموزشی» که مستلزم برخورداری از دانش نسبت به دانش‌آموزان و نیز آشنایی با محتوای برنامه درسی است، تجسم یافته است. تردیدی نیست که برخورداری از انواع دانشی که در ذیل دانش حرفه‌ای قرار می‌گیرند، برای برخی دیگر از شایستگی‌های تعیین شده هم، ضرورت دارند. به این ترتیب، لزوم برخورداری از دانش پژوهشی برای به کارگیری روش‌های پژوهش تربیتی در موقعیت‌های تربیتی، دانش مربوط به سنجش و ارزشیابی و دانش‌آموزش به منظور شکل‌گیری و تحقق بخشیدن به شایستگی‌های دوم، ششم و هفتم مسلم و تردیدناپذیر است.

شایستگی‌ها و مؤلفه‌های مهارت‌های تربیتی

مهارت‌های تربیتی، یکی دیگر از مؤلفه‌های هویت حرفه‌ای است. این مؤلفه که در ادبیات داخلی و خارجی این حوزه، با عنوان عمل تربیتی معرفی شده است به قلمرو رفتار و عمل و «آنچه معلم باید قادر باشد انجام دهد» مربوط می‌شود. به طور خاص، سومین گزاره اصلی شولمن (۲۰۱۵) مبنی بر اینکه معلمان در قبال مدیریت یادگیری دانش‌آموزان و نظارت و کنترل بر آن مسئول هستند اشاره کلی به این دسته از شایستگی‌ها دارد این حوزه به سازماندهی کلاس درس، ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان و نگهداشتن توجه آن‌ها، آمیختن منابع، نظریه‌های یادگیری و نظریه‌های پداگوژیکی ارتباط دارد و از دانش مربوط به موضوعات ویژه فراتر می‌رود (شولمن، ۱۹۸۶). شورای تدریس با کیفیت (۲۰۰۱) در ذیل عنوان عمل تربیتی، به توانایی‌های معلمان اشاره کرده و توضیح داده است که معلمان می‌توانند یادگیری را به فعالیتی ارزشمند، جالب توجه و سرگرم کننده تبدیل کنند، محیط‌های یادگیری امن، فراگیر و چالش انگیز ایجاد کنند، طرح‌های مدیریت رفتار مناسب و منصفانه را به اجرا بگذارند و از فنون ارتباطی سنجیده استفاده نمایند. عمل تربیتی را با عنوان صلاحیت‌های مدیریتی معرفی کرده‌اند و مؤلفه‌هایی همچون توانایی برنامه ریزی و سازماندهی درس، توانایی مدیریت کلاس، توانایی ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان، توانایی استفاده بهینه از زمان، توانایی درگیر نمودن دانش‌آموزان برای کمک به تدریس و درگیر کردن دانش‌آموزان در جهت یادگیری مادام العمر و غیره را در ذیل آن تعریف کرده‌اند (ملایی نژاد، ۱۳۹۱). صمدی (۱۳۹۳)، در پژوهش خود، مدیریت مقتدرانه کلاس، ایجاد جو روانی حمایت‌آمیز کلاس، برقراری تعامل مثبت با دانش‌آموزان و ارزشیابی معطوف به هدف را مؤلفه‌های عمل حرفه‌ای معرفی کرده است.

نتیجه گیری

منابع انسانی به ویژه معلم، در فرایند تعلیم تربیت رکن اصلی و عامل بنیادین محسوب می‌شود و دستیابی به اهداف نظام آموزش و پرورش، بدون وجود معلمانی برخوردار از توانمندی‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای میسر نمی‌شود. شایستگی‌های ویژه‌ای که انتظار می‌رود معلمان آن‌ها را کسب کنند و از آن‌ها برخوردار باشند، همان صفات و شایستگی‌های حرفه‌ای هستند که شامل اخلاق و تعهد حرفه‌ای، دانش حرفه‌ای و مهارت‌های تربیتی میشوند و همه اینها، هویت حرفه‌ای مربیان را تشکیل میدهند. نخستین شایستگی مورد انتظار از معلمان، برخوردار بودن از ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای و ایفای نقش الگویی است. شایستگی دیگری که در ذیل شایستگی‌های معطوف به اخلاق و تعهد حرفه‌ای قرار دارد «تعالی جویی و بهسازی حرفه‌ای» است. در ادبیات صلاحیت‌ها و استانداردهای حرفه‌ای برای معلمان، تعهد حرفه‌ای معلم بیشتر در زمینه حرفه‌ای‌گری و یادگیری حرفه‌ای موضوعیت پیدا می‌کند. یکی دیگر یکی از شایستگی‌های اساسی معلم، کسب و تسلط بر مجموعه‌ای گسترده

از دانش‌هایی است که به او کمک می‌کند تا شیوه عمل مؤثری را در جریان آموزش به اجرا گذارد. و در آخر در سند برنامه درسی ملی تربیت معلم جمهوری اسلامی ایران، شایستگی معطوف به دانش تربیتی، بیانگر دانش حرفه‌ای مربیان است که به قلمرو دانش تعلق دارد. این شایستگی در بیان کلی چنین توضیح داده شده است: «آشنایی با دانش تربیتی و فهم اصول و روش‌های کاربرست آن در موقعیت‌های تربیتی و کسب توانایی موقعیت شناسی به همراه قابلیت تشخیص احکام تربیتی متناسب با موقعیت‌های واقعی تربیت به زبان علم تربیت (علوم تربیتی) و توانایی به کارگیری روش‌های پژوهشی تربیتی در حل مسأله‌های خرد موقعیت‌های تربیتی (اقدام پژوهی) را شامل می‌شود».

منابع

- احمدی، غلامعلی (۱۳۹۱). ارزشیابی برنامه اجرا شده و کسب شده دروس تربیتی دوره‌های دو ساله تربیت معلم. فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۱۱۸، ۱۱۷.
- اخگر، مسعود و خلیلی، معصومه (۱۳۹۵). بررسی صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان دوره ابتدایی شهر اصفهان در تربیت شهروندی دانش‌آموزان. دومین همایش ملی تربیت بدنی.
- بذرافشان مقدم، مجتبی؛ اقبالی زاده، سعیده و کریمی، عصمت (۱۴۰۰). بررسی شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان آموزش و پرورش. دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و صنعت.
- حیدری، الهام؛ مرزوقی؛ رحمت اله و کشاورزی، فهیمه (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین ارزش‌های دانشجو و تعهد حرفه‌ای: سهم واسطه‌گری شایستگی تحصیلی دانشجویان دانشگاه شیراز. مدیریت بر آموزش سازمان‌ها، ۸(۱)، ۸۹-۱۰۸.
- دیبایی صابر، محسن؛ عباسی، عفت؛ فتاحی واجارگاه، کوروش و صفایی موحد، سعید (۱۳۹۵). تبیین مولفه‌های شایستگی حرفه‌ای معلمان و تحلیل جایگاه آن در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران. دوفصلنامه پژوهش‌های آموزش و یادگیری، ۱۳(۲).
- رضایی، منیره (۱۳۹۹). شناسایی و تعیین شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان با ابتناء بر اسناد تحولی آموزش و پرورش و اعتبارسنجی آن‌ها. تعلیم و تربیت، ۳۶(۱)، ۸۲-۶۳.
- صالحی، زهرا؛ احمدپور، سپیده و باقری، عالیہ (۱۳۹۸). پژوهش محوری و صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان علوم تجربی. نخبگان علوم و مهندسی، ۴(۱)، ۱۹-۱۲.
- صمدی، معصومه (۱۳۹۳). بررسی سطح توانمندی و راهکارهای ارتقاء توانمندی حرفه‌ای- تخصصی معلمان رشته‌های مختلف تحصیلی دبیرستان در فرایند یاددهی و یادگیری. گزارش طرح پژوهشی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
- عبداللهی، بیژن؛ دادجوی توکلی، عطیه و یوسلیانی، غلامعلی (۱۳۹۳). شناسایی و اعتبارسنجی شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان اثربخش. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۳(۱)، ۴۸-۲۵.
- عسگریان، مصطفی (۱۳۹۱). سازمان و مدیریت آموزش و پرورش. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ نوزدهم.

غلامی نوقاب، محمد حسین؛ پورشافعی، هادی و شاه طالبی حسین آبادی، بدری (۱۳۹۷). بررسی مولفه های موثر بر رشد حرفه ای معلمان. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، ۱۲(۱)، ۱۸۱-۱۶۷.

کدخدایی، محبوبه السادات (۱۳۹۵). آموزش معلم: چیستی، چندگونگی و چگونگی. فصلنامه تربیت معلم فکور، ۲(۳)، ۴۴-۲۷.

ملایی نژاد، اعظم (۱۳۹۱). صلاحیت های حرفه ای مطلوب دانشجو معلمان دوره آموزش ابتدایی. نوآوری های آموزشی، ۱۱(۴)، ۶۲-۳۳.

Arefnejad M (2018). Identification and Prioritization of Competency Components of School Managers with Emphasis on Islamic Management. Two Journal of Management and School Management; 5(1): 151-72.

Augustinus L, Vandeghinste V, Van Eynde F, editors (2012). Example-based treebank querying. Proceedings of the 8th international conference on language resources and evaluation (LREC 2012); ELRA; Paris.

Ching S.W (2014), The need for guidance and counselling training for teachers, Procedia - Social and Behavioral Sciences 113, 36 – 43.

Kanifar H (2007). A Prelude to Standard and Standardization in Educational Systems. Irinian Jorنال of Management Studies (IJMS). 1(1):57-71.

Khanifar H, Naderi Bani N, Ebrahimi S, Fayazi M, Rahmati MH (2020). Principals: Competence, knowledge, ability and skills and model presentation. Journal of New Approach in Educational Management. 11(45):1-30.

Liakopoulou, M. (2011). The professional competence of teachers: Which qualities, attitudes, skills and knowledge contribute to a teacher's effectiveness. International Journal of Humanities and Social Science, 1(21), 66-78.

Maleki Hi (2010). Planning Introduction. Edition F, editor. Tehran: Samat.

Mashayekh F (2014). Basics of planning: school curriculum planning. Tehran: Madrasa Publications.

R; DM, R; GM, K; SG, M. T (2020). Education policy in Iran according to the theory of good governance (case study; public trust index). Journal of New Approach in Educational Management. 11(45):289-304.

Shulman, L. S (2015). What teachers should know and be able to do. National Board for Professional Teaching Standards.

Shulman, L. S. (1986). Those who understand: Knowledge growth in teaching. Educational Researcher, 15(2), 4-14.

Virginia Board of Education. (2012). Guidelines for uniform performance standards and evaluation criteria for teachers. Virginia Department of Education.